

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

علوم تربیتی و روان‌شناسی

شماره یازدهم و دوازدهم - بهار و تابستان ۱۳۸۱

صص ۱۳۴-۱۱۷

## ارتباط بین شباهت در ویژگیهای شخصیتی

### زن و شوهر و رضایت از زندگی

پژوهشگاه علمی دانش‌های انسانی  
محمد رضا مصاحبی  
رتال جامع علوم انسانی

#### چکیده

پژوهش حاضر به ارتباط بین سه مورد از ویژگیهای روانی یعنی پرخاشگری، هیجان‌پذیری و اضطراب با رضایت از زندگی زناشویی پرداخته است. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه مورد نظر زن و شوهرهای اصفهانی بودند که برای انتخاب جامعه نمونه، از روش طبقه‌ای استفاده گردید تا تمام طبقات اجتماعی شهر را در برگیرد. برای اندازه‌گیری از آزمون‌های هیجان‌خواهی زاگرن، اضطراب کتل، پرخاشگری و مقیاس خشنودی زناشویی آزرین استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده بین خشنودی از زندگی زناشویی و تفاوت در پرخاشگری ( $r = -0.46$ ) و هیجان‌پذیری ( $r = -0.5$ ) همبستگی نسبتاً بالایی موجود بود، ولی در مورد تفاوت در میزان اضطراب زوجها و خشنودی زناشویی همبستگی بالایی مشاهده نشد.

( $r=0/06$ ). از طرفی همبستگی بین نمرات زن و شوهرها در مقیاس خشنودی زناشویی بسیار بالا بود. ( $r=0/8$ ) در ضمن تفاوت میانگین نمره مقیاس خشنودی زناشویی برای گروهی که کمتر از ۴ سال و بیشتر از ۴ سال از ازدواجشان می‌گذشت، با آزمون t مورد سنجش قرار گرفت و تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد.

### مقدمه

خانواده، یکی از کهن‌ترین هسته‌های جامعه است که از بدو پیدایش بشر وجود داشته و کانون تربیت فرزندان، حفظ سنت‌های اجتماعی و روابط زندگی انسانهاست. انسان موجودی اجتماعی است و وجود دو عنصر زن و مرد و زندگی مشترک آنها با همدیگر، از ابتدا در جوامع بشری دیده شده است. بررسی عوامل تسهیل‌کننده در ارتباط بین زن و شوهر و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه بوده و با پیچیده شدن جوامع و پیچیدگی زندگی، نیاز به پژوهش‌های تازه‌تر احساس می‌شود.

تفاهم بین زن و شوهر، تقسیم عادلانه کار و برابری قدرت تصمیم‌گیری، از ویژگی‌های ازدواج موفق است. عواملی که یک رابطه را در درازمدت پایدار نگه می‌دارد به تلاش زیادی احتیاج دارد و به تشابه زن و شوهرها در موارد متفاوت متکی است. امبروس بیرس<sup>۱</sup> با لحنی کنایه‌آمیز ازدواج را «اجتماع مرکب از یک آقا، یک خانم و دو برده که بر روی هم دو نفر به حساب می‌آیند»، تعریف می‌کند. ایبسن<sup>۲</sup>، ازدواج را چیزی می‌داند که تمام افکار آدمی را به خود مشغول می‌کند (شوستروم، ۱۳۶۲).

ازدواج همچون یک کل اندام‌گونه است. اگر پشت قوز بردارد، سینه هم باید برآمدگی پیدا کند تا ظاهر قامت را باز عمودی نشان دهد و جسم راست ایستد. با توجه به این تناسب، اگر یکی از طرفین ازدواج تغییر کرد، طرف دیگر هم باید خود را با آن تغییر تطبیق دهد تا رابطه را سالم نگه دارد. با چنین رابطه‌ای یک ازدواج همراه با عشق می‌تواند پایدارتر بماند، چرا که هر دو هدف مشترکی پیدا می‌کنند. گفته‌اند که: عشق تنها به چشمان یکدیگر خیره شدن نیست، بلکه با هم به بیرون و به جهتی معین نگاه کردن است (هاریس، ۱۳۶۴).

ازدواجی را تصور کنید که ثمرهٔ عشق نخستین است و تازه عروس و داماد به دنبال خانهٔ کوچک مستقلی هستند که طبیعت هنوز بر آن حاکم باشد و آن را با صد گونه بحث و جدل لطیف، در بارهٔ اینکه چه بخرند و کجا بگذارند، پر می‌کنند. گلهایی در آن می‌کارند که با خودشان بزرگ شود، خانه را از رنگ و موسیقی و کتاب و داستان پر می‌کنند و آن را از زرق و برق و جنجال خیابانها محبوب‌تر و دوست‌داشتنی‌تر می‌سازند و بالاخره زندگی را با آوردن یک فرزند به کمال می‌رسانند تا خانه را پر از شادی و غوغا کند.

چه کنیم تا این گرمی و شور پا برجا بماند و ارتباط صحیح زن و شوهر، باعث تداوم زندگی شیرین آنها گردد. اگر وجود موارد مشترک عامل مهمی است، این موارد کدام‌اند؟ هر کدام تا چه اندازه مؤثرند؟ با نظری روان‌شناختی به این مهم، باید تمامی ویژگیهای روانی افراد را مورد بررسی قرار داد و دربارهٔ همسانی آن ویژگیها در زن و شوهر و تأثیر این همسانی در خشنودی از زندگی زناشویی پژوهش نمود. پژوهش حاضر، به یافتن ارتباط بین برخی از ویژگیهای شخصیتی زن و شوهر و سازگاری آنها در زندگی زناشویی پرداخته است.

خانواده اولین پایگاه اجتماعی شدن افراد است. شخصیت انسان بیشتر در سالهای اولیهٔ زندگی شکل می‌گیرد. در این سالها افراد تحت تأثیر خانواده قرار دارند. زن در نقش همسر، توان ایجاد خانه‌ای گرم و با محبت را داراست و مرد به‌عنوان شوهر، پایه‌های روابط اجتماعی و اقتصادی خانه را مستحکم نگه می‌دارد. تمام این موارد زمانی امکان‌پذیر است که زن و شوهر، دارای سلامت روان و آسایش خیال باشند. زندگی مشترک سالم و ایجاد کانونی با محبت، امنیت، صمیمیت و تفاهم، برای رسیدن به این مهم، نقش بسزایی دارد.

سلامت خانواده و سلامت اجتماع لازم و ملزوم یکدیگرند. پس برای داشتن جامعه‌ای سالم، باید به سلامت نخستین واحد اجتماع، یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. سالهاست به این واقعیت اشاره می‌شود، ازدواجهایی مناسب‌تر است که طرفین در زمینه‌های مختلف مانند: عاداتها، سلیقه‌ها، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده و دیگر موارد تشابه داشته باشند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که سازگاری زن و شوهر، تحت تأثیر چه عواملی است و تفاوت در ویژگیهای شخصیتی آنها، چقدر در

ایجاد این سازگاری نقش دارد. با یافتن این موضوع می‌توان در جهت سلامت خانواده گام برداشت و مشاوران ازدواج نیز می‌توانند در مشاوره‌های قبل از ازدواج میزان تشابه زوجها در صفات روانی را مد نظر قرار دهند.

تاکنون فکر کرده‌اید چرا برخی از ازدواجها موفق‌ترند. روان‌شناسان برخی از منش‌هایی را که با ازدواج رضایت‌بخش در ارتباط است، معرفی نموده‌اند. رنه (۱۹۷۰) گزارش می‌دهد افرادی که از تحصیلات متوسط و بالاتری برخوردارند، و همچنین ارتباط خود را با خویشاوندان و دوستان پایدار نگه می‌دارند ازدواج موفق‌تری دارند. به نظر می‌رسد توانایی ارتباط با والدین عامل مهمی در ایجاد سازگاری زندگی باشد. فرزندان افرادی که دارای زندگی سازگارانه‌اند و ازدواج مطلوبی نموده‌اند، احتمالاً در زندگی زناشویی موفق‌تر خواهند بود.

سن ازدواج نیز یکی از عوامل مورد نظر است. ازدواج افراد زیر ۲۱ سال، احتمالاً منجر به شکست می‌شود. سن بهینه ازدواج برای زنان بین ۲۱ تا ۲۹ سال و برای مردان بین ۲۴ تا ۲۹ سال گزارش شده است. البته رفتار عاقلانه افراد در سنین دیگر نیز می‌تواند منجر به ازدواج موفق گردد (کوین، ۱۹۸۵).

مورد دیگر انتخاب شخص مناسب برای ازدواج است که عامل مهمی به حساب می‌آید. افرادی که دارای نگرشها و ارزشهای مشابه هستند، دچار اختلالات کمتری در زندگی زناشویی می‌شوند. جرالده اسمیت<sup>۱</sup> و جری دبنهام<sup>۲</sup> یک برنامه رایانه‌ای به نام «ماتسیم»<sup>۳</sup> برای تجزیه و تحلیل امکان ازدواج افراد با یکدیگر تهیه کرده‌اند. این برنامه شامل ۱۸۰ مقوله است که جامعه‌شناسان، برای ازدواج موفق بر آنها تأکید دارند. مانند: نگرش به زندگی، اهداف، آرزوها، عادات فرهنگی، جنسیت، توانایی شغلی، انضباط کودک و حتی برنامه تلویزیونی مطلوب. در هر مقوله فرد باید به سؤالاتی در مورد خود، همسر ایده‌آل خود و یا نامزد مورد نظر خود پاسخ گوید.

رایانه پاسخهای نامزدها را با هم مقایسه می‌کند و یک نفر جامعه‌شناس، تشابه‌ها و تفاوت‌های هر دو زوج را در مقوله‌های مهم مورد بحث قرار می‌دهد و سپس میزان

موفقیت احتمالی آنها، دورنمای زندگی مشترک آنها و زوج ایده آل هرکدام از آنها را پیش‌بینی می‌نماید. همچنین پیش‌بینی می‌کند که در چه مواردی احتمالاً دچار مشکل خواهند شد و در چه مواردی نیز دارای تفاهم خواهند بود و مواردی که برای موفقیت در ازدواج، لازم دارند را به آنها یادآوری می‌کند. اگر زوجها در بیش از نیمی از این سؤالات تضاد داشته باشند، ازدواجی موفق برای آنها پیش‌بینی نمی‌شود (رایس، ۱۹۸۰).

اگر والدین شما ازدواج رضایت‌مندی داشته‌اند و شخص مناسب برای خود پیدا کرده‌اید و در سن مناسب ازدواج هستید چه عوامل دیگری برای موفقیت نیاز دارید؟ روان‌شناسان به برخی ویژگیهای شخصیتی که مربوط به موفقیت در ازدواج است اشاره می‌کنند.

عواملی همچون پایداری هیجانی، عزت نفس بالا، بردباری، اغماض و فهم متقابل زوجها، ارتباطها نیز نقش مهمی در ازدواج موفق ایفا می‌کند. غالباً برخی افراد معتقدند که می‌توانند شخصیت همسر خود را پس از ازدواج تغییر دهند و اگر به خاطر برخی عادات و یا نگرشهای طرف مقابل، ناخرسند هستند، تا پس از مراسم ازدواج و آغاز زندگی مشترک به او هیچ نمی‌گویند. لکن چنین ازدواجهایی به ندرت موفق می‌شود. یکی از عوامل سازگاری انعطاف‌پذیری هر دو زوج است. افرادی که بتوانند احساسات خود را بازگو کنند و شنوندگان خوبی برای همدیگر باشند و عیبهای خود را اصلاح کنند، از بهترین زوجهای موفق هستند (هیلگارد، ۱۳۷۰).

در مقوله ارتباطها باید به نقش ارتباط جنسی نیز اشاره نماییم، مشخص شده است که بیشتر مشکلات جنسی در بدنه ازدواج، از ارتباط ضعیف برمی‌خیزد (کوبین، ۱۹۸۵).  
الوی<sup>۱</sup> و اسمیت<sup>۲</sup> در مورد عوامل مؤثر در ازدواج موفق، مهمترین عامل را تشابه در شخصیت افراد ذکر کرده‌اند. عامل تشابه در شخصیت در کنار عوامل دیگر همچون سن، مذهب، نژاد، نگرش، هوش و سطح فرهنگ قرار دارد (به نقل از ساتروک، ۱۹۹۱).

یکی از علل به وجود آمدن علاقه‌مندی بر اثر شباهت، احتمالاً این است که افراد برای عقاید و سلیقه‌های خود ارزش قایل‌اند و از معاشرت با کسانی که انتخابهای آنها را تأیید می‌کنند، لذت می‌برند و چه بسا از این راه عزت نفس آنها تقویت می‌شود. پژوهشی در مورد زوجهای کانادایی که از ازدواج آنها کمتر از ۱۵ سال گذشته بود، نشان داد که، عوامل زیر در موفقیت ازدواج آنها بسیار مهم بوده است: احترام متقابل، صداقت متقابل، وفاداری متقابل، عشق متقابل، قابلیت اعتماد متقابل (شلزینگر<sup>۱</sup> ۱۹۸۲ به نقل از کوین، ۱۹۸۵).

از طرفی ازدواج رضایت‌بخش با تسلط بر همسر نیز در ارتباط است. ازدواجهایی که همسران بر یکدیگر تسلط دارند، رضایت‌بخش‌تر است، البته ازدواجهایی که مرد بر زن تسلط دارد، رضایت‌بخش‌تر از ازدواجهایی است که زن در آن حاکم است. به نظر می‌رسد که شاید علت این امر نتیجهٔ واکنش هنجارهای نقش جنسی سنتی باشد (گری<sup>۲</sup>، لیتل<sup>۳</sup> و بورکز<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳، به نقل از کوین، ۱۹۸۵).

ضرب‌المثل «متضادهای یکدیگر را جذب می‌کنند» هنوز ممکن است در مورد برخی ویژگیهای مکمل شخصیتی صادق باشد (وینچ<sup>۵</sup>، کتسانز و کتسانز<sup>۶</sup>، ۱۹۵۴). روشن‌ترین نمونه در این زمینه، وضع یک فرد بسیار سلطه‌جوست که احتمالاً خواهان دوستی با یک فرد نسبتاً سلطه‌پذیر است یا فردی که در انتخابهای خود بسیار یکدنده است، احتمالاً با کسی بهتر می‌سازد که آدمی بسیار انعطاف‌پذیر و حتی بی‌اراده باشد. این پدیده را فرضیهٔ نیاز مکمل<sup>۷</sup> نام نهاده‌اند. اما حتی در مورد ویژگیهای مکمل نیز می‌توان یک شباهت زیربنایی در نگرشها مشاهده کرد (هیلگارد و همکاران، ۱۳۷۰).

مثلاً رابطهٔ زناشویی شوهر سلطه‌جو و زن سلطه‌پذیر فقط هنگامی ممکن است رضایت‌بخش باشد که آنان این نقشهای جنسی سنتی را مطلوب بدانند. حتی موفقیت نقشهای مکمل نیز منوط به این است که یک شباهت زیربنایی در نگرشهای دو طرف،

1- Schlesinger

2- Gray

3- Little

4- Burks

5- Winch

6- Ktsanes

7- Need

در مورد نبود شباهت وجود داشته باشد. اما اشکال اصلی فرضیه نیاز مکمل این است که شواهد چندانی در تأیید آن وجود ندارد (لوینجر<sup>۱</sup>، سن<sup>۲</sup>، یورگنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۷۰).

پژوهش دیگری که می‌یر و پوپر<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) نشان داده است که سازگاری زناشویی زوجهایی که حداکثر ۵ سال از ازدواجشان گذشته بیشتر تابع میزان شباهت آنها بوده تا میزان مکمل بودن آنها (هیلگارد و همکاران، ۱۳۷۰).

از عوامل دیگری که در زناشویی خوشایند مورد توجه قرار گرفته است، رضایت از بحث و گفت‌وگو در مسائل جاری زندگی است. پژوهشها نشان داده است بحث فعال در مسائل جاری نسبت به اجتناب از بحث، تأثیر زیادی در حل مسائل زناشویی دارد. میلر<sup>۵</sup>، لفقورت<sup>۶</sup>، هولمز<sup>۷</sup>، وار<sup>۸</sup> و صالح<sup>۹</sup> (۱۹۸۶). باس<sup>۱۰</sup> و بارنز<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۶)، در این مورد که مردان و زنان مایل‌اند که همسر آنها دارای چه ویژگیهای شخصیتی باشند گفته‌اند: افراد مایل‌اند همسر آنها مهربان، وفادار، صادق، درستکار و عفیف، با ملاحظه و منصف، باهوش، مهربان و جالب توجه باشد (سدارو، ۱۹۹۳).

مردان بیشتر علاقه به جذابیت جسمانی همسر خود نشان می‌دهند و زنان نیز بیشتر به درآمد کافی همسر خود اهمیت می‌دهند. در این موارد نقش هنجارهای فرهنگی را در نحوه تفکر افراد نباید نادیده گرفت (ساتروک، ۱۹۹۱).

گروهی از روان‌شناسان معتقدند همان‌گونه که انسانها برای راندن اتومبیل به گواهینامه نیاز دارند، قبل از ازدواج نیز باید دوره‌هایی را بگذرانند و برای ازدواج آموزش ببینند و پس از طی این دوره‌ها در مورد ازدواج خود تصمیم بگیرند. این گروه معتقدند افراد پس از این آموزشها می‌توانند، امکانات موجود را بپذیرند، ارتباطات احساسی خود را به حداقل برسانند، نقشهای آینده خود را مشخص نمایند و آگاه باشند که نقشهای متفاوتی در پیش رو دارند و خود را برای فشارهای روانی در سال اول ازدواج آماده نمایند (کوین، ۱۹۸۵).

1- Levinger

4- Pepper

7- Holmes

10- Buss

2- Senn

5- Miller

8- Ware

11- Barnes

3- Jorgensen

6- Lefcourt

9- Saleh

در ایران نیز پژوهشهایی انجام شده است، در نخستین همایش سراسری ازدواج احمدی (۱۳۷۸) عوامل شخصیتی که هماهنگی زوجها در آنها به حفظ و بقای خانواده کمک می‌کند را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است:

استعدادها و علاقه‌ها، نیازها، انعطاف‌پذیری و تحمل، رسش و پختگی، تفاهم و تبادل مشترک، احترام متقابل، اجتماعی بودن، توان حل مسأله، صداقت و یکرنگی، آینده‌نگری، داشتن هدف و معنا در زندگی، انتقادپذیری، داشتن عزت نفس و خودباوری. شفتی (۱۳۷۸) به لزوم وجود صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها در داوطلبان ازدواج برای توفیق در تشکیل زندگی خانوادگی اشاره می‌کند. قلی‌زاده (۱۳۷۸) به ضرورت کنترل امر همسرپایی بر مبنای محک‌های اجتماعی و معیارهای مشابه تحت عنوان «همسان‌گرینی» و یا «همسان همسری»<sup>۱</sup> یاد می‌کند و قواعد همسان همسری را با توجه به عشق، مذهب، سن، تحصیل، موقعیت اجتماعی و شخصیت زوجها به عنوان معیارهایی لازم برای تکوین ازدواج ارائه می‌دهد. در همایش دیگری که تحت عنوان علل و پیامدهای طلاق اجرا شد، امین جعفری (۱۳۷۹) فاصله سنی زوجها را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر طلاق مطرح می‌کند. بنی‌اسدی و باقری (۱۳۷۹) به رابطه بین انگیزه‌های ازدواج و سازگاری زناشویی اشاره می‌کنند. ناظر، طباطبایی و اسداللهی (۱۳۷۹) در پژوهشی نشان داده‌اند که تشابه در میزان سواد، اقتصاد، ظاهر، مذهب و عوامل شخصیتی در زوجهای موفق بیشتر از داوطلبان طلاق است. در همایش ازدواج دانشجویی، آقایی و کریمی (۱۳۸۱) بیان می‌دارند؛ ۵۵ درصد افراد با ازدواج دانشجویی به علت همسطح بودن تحصیلات زوجها و ۵۷ درصد افراد با ازدواج دانشجویی به علت تناسب سن زوجها موافق‌اند. عبدالله‌زاده (۱۳۸۱) نیز در پژوهشی از تأثیر ویژگیهای شخصیتی زوجها در رضایت از زندگی زناشویی گزارش می‌دهد.

در ادامه و تکمیل پژوهشهای گذشته این سؤال مطرح می‌شود که هر کدام از ویژگیهای شخصیتی تا چه اندازه با سازگاری ازدواج زوجها ارتباط دارند. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال، سه ویژگی پرخاشگری، اضطراب و هیجان‌خواهی را مد نظر قرار می‌دهد و فرضیه‌های زیر را مطرح می‌کند.



- ۱- بین میزان تفاوت در پرخاشگری زن و شوهر و خشنودی از زندگی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین میزان تفاوت در اضطراب زن و شوهر و خشنودی از زندگی زناشویی، ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین میزان تفاوت در هیجان‌خواهی زن و شوهر و خشنودی از زندگی زناشویی، ارتباط وجود دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی همبستگی است. هدف اساسی آن بررسی ارتباط بین تفاوت زن و شوهرها در ویژگیهای پرخاشگری، اضطراب و هیجان‌خواهی با میزان خشنودی از زندگی زناشویی آنها بود. این پژوهش در شهر اصفهان انجام شد و زن و شوهرهای اصفهانی جمعیت مورد پژوهش را تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای و تصادفی انتخاب شد. به این منظور پنج محله مختلف شهر اصفهان که تمام طبقات اقتصادی و اجتماعی شهر را پوشش دهد، در نظر گرفته شد و از هر محله به روش تصادفی ساده، تعدادی از زن و شوهرها مورد بررسی قرار گرفتند. این کار در سه مرحله مختلف و در سه زمان متفاوت انجام شد. در نهایت، سه گروه ۵۰ نفری از زوجهای اصفهانی جامعه نمونه را تشکیل دادند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد.

برای اندازه‌گیری هیجان‌خواهی از آزمون ذاکرمن استفاده شد. این آزمون شامل ۴۰ سؤال است و اعتبار و روایی آن مورد تأیید قرار گرفته است (گنجی، ۱۳۸۰). برای اندازه‌گیری اضطراب از آزمون اضطراب کتل استفاده شد. این آزمون نیز شامل ۴۰ سؤال است و ضریب اعتبار آن بارها اندازه‌گیری شده و همیشه بالاتر از ۷۰ درصد بوده است (گنجی، ۱۳۸۰).

ویژگی دیگر پرخاشگری افراد بود که با آزمون Sci-90 مورد سنجش قرار گرفت، این آزمون نیز جزء آزمونهای معتبر است و ۶ سؤال آن پرخاشگری را می‌سنجد. اعتبار این آزمون از تاریخ تدوین تاکنون بارها مورد بررسی قرار گرفته است. اعتباریابی آن در

ایران، ضرایب اعتبار بین ۶۵ تا ۹۳ درصد را نشان داده و برای جامعه بزرگسالان ایرانی کاملاً مناسب است (موسوی، ۱۳۷۸). در نهایت از مقیاس خشنودی زناشویی برای رضایت از زندگی زن و شوهرها استفاده شد. این مقیاس را آزرین<sup>۱</sup>، ناستر<sup>۲</sup> و جونز<sup>۳</sup> (۱۹۷۳) تهیه کرده‌اند (برنشتاین<sup>۴</sup>، ۱۳۷۷).

این مقیاس یازده فهرست کلی<sup>۵</sup> دارد که پس از پاسخ آزمودنی به هر یک از فهرستها و تصحیح پرسشنامه، میزان خشنودی فرد به نمره تبدیل می‌شود. برای اطمینان از دقت این پرسشنامه، ابتدا به صورت آزمایشی بر روی یک گروه نمونه ۵۰ نفری اجرا شد و ضریب اعتبار آن با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر ۰/۷۶٪ و با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۰٪ محاسبه گردید.

پس از به دست آوردن نمره‌ها در هیجان‌خواهی، اضطراب و پرخاشگری زن و شوهر، قدر مطلق تفاضل نمره آنها ( $|d|$ ) به عنوان میزان تفاوت زن و شوهر، در ویژگی شخصیتی و میانگین نمره‌های حاصل از مقیاس خشنودی زناشویی برای هر کدام از زن و شوهرها ( $\bar{X}$ ) به عنوان شاخص رضایت از زندگی زناشویی مورد نظر قرار گرفت سپس ضریب همبستگی بین  $|d|$  و  $\bar{X}$  محاسبه شد.

برای نتیجه‌گیری آماری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و برای اطمینان از اینکه ضریب به دست آمده از جامعه نمونه در جامعه آماری نیز صادق باشد، با استفاده از تبدیل Z فیشر به  $Z_r$  و به دست آوردن Z و مقایسه آن با جدول ضریب همبستگی، عدد به دست آمده مورد استنباط آماری قرار گرفت (گلاس و استنلی، ۱۳۶۸). همچنین برای مقایسه میانگین نمرات برخی از گروهها از آزمون t استودنت نیز استفاده شد.

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در جدولهای شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ نشان داده شده است. ابتدا یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1- Azrin

2- Naster

3- Jones

4- Bornstein

5- Cheef list

جدول ۱- ضریب همبستگی و Z بین خشنودی و سه ویژگی شخصیتی

قدر مطلق تفاوت در هیجان خواهی		قدر مطلق تفاوت در اضطراب		قدر مطلق تفاوت در پرخاشگری	
Z	r	Z	r	Z	r
۳/۲	-۰/۵	۰/۳۵	۰/۰۶	۲/۴	-۰/۴۶
*				*	
N= ۵۰		N= ۵۰		N= ۵۰	
P ۰/۹۵				P ۰/۹۵	
				تعداد	
				سطح معنی داری	

چنانچه در جدول ۱ مشخص است، ضریب همبستگی بین خشنودی زناشویی و تفاوت در پرخاشگری زن و شوهر ( $r = -0/46$ ) است. به عبارتی می توان گفت: همبستگی نسبتاً بالا و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد که با استفاده از تبدیل به Z فیشر و مقایسه با جدول می توان گفت، در فاصله اطمینان ۹۵٪ فرضیه مورد نظر تأیید می شود. از طرف دیگر، در مورد ارتباط خشنودی زناشویی و تفاوت در اضطراب با توجه به جدول ۱ می توان گفت: ضریب همبستگی بین این دو متغیر بسیار ضعیف است ( $r = 0/06$ )، که پس از تبدیل به Z و توجه به Z به دست آمده ( $Z = 0/35$ ) می توان نتیجه گرفت فرضیه دوم رد می شود و هیچ ارتباطی بین این دو متغیر تأیید نمی شود.

در مورد فرضیه سوم پژوهش یعنی ارتباط بین خشنودی زناشویی و تفاوت در هیجان خواهی ضریب همبستگی ( $r = -0/5$ ) محاسبه شد و به این معنی است که همبستگی نسبتاً بالایی بین دو متغیر وجود دارد، ولی این همبستگی معکوس است. در این مورد نیز با تبدیل r به Z فیشر ( $Z = 3/2$ ) می توان گفت با احتمال ۹۵ درصد اطمینان این همبستگی مورد تأیید قرار می گیرد.

از طرف دیگر، چنانکه در جدول ۲ می توان مشاهده کرد، ضریب همبستگی بین نگرش زن و شوهرها در رابطه با خشنودی از زندگی زناشویی اندازه گیری شد. عدد به دست آمده ( $r = 0/8$ ) برای ۱۵۰ زوج نشان داد که ارتباط بسیار زیادی بین نگرش زن و شوهرها در این موضوع وجود دارد. با تبدیل r به Z فیشر می توان با اطمینان بیش از ۹۹ درصد، این ارتباط را از نظر آماری تأیید کرد.

جدول ۲- ارتباط نگرش خشنودی بین زن و شوهرها

نمره شوهر در شاخص خشنودی زناشویی	
Z	r
۷/۵۷	۰/۸
نمره زن در شاخص خشنودی زناشویی	
N= ۱۵۰	p %۹۹

مورد دیگری که جزء فرضیه‌های اصلی پژوهش بیان نشده بود ولی مورد سنجش قرار گرفت، همبستگی بین میزان هیجان‌خواهی زن و شوهرها بود. این همبستگی برابر ( $r = ۰/۱۱$ ) محاسبه شد که با تبدیل به Z فیشر عدد  $Z = ۰/۷۵$  محاسبه گردید. با توجه به کوچک بودن Z محاسبه شده می‌توان گفت: این ارتباط معنی‌دار نیست. این مورد در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- ارتباط هیجان‌خواهی زن و شوهرها

میزان هیجان‌خواهی شوهر	
Z	r
۰/۷۵	۰/۱۱
میزان هیجان‌خواهی زن‌ها	
N= ۱۵۰	

آخرین موردی که در یافته‌های پژوهش بیان می‌شود، مقایسه خشنودی از زندگی زناشویی بین زوجهایی که کمتر از ۴ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت بود با زوجهایی که بیش از ۴ سال زندگی مشترک داشتند. این موضوع با سؤالی که در قسمت مشخصات افراد در پرسشنامه وجود داشت، قابل تشخیص بود و به‌راحتی افراد به دو گروه تقسیم شدند و با فرمول t تفاوت میانگین‌ها مورد استنباط قرار گرفت. یافته‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- مقایسه میانگین‌های نمره افراد دو گروه با مدت ازدواج متفاوت

t	زندگی مشترک کمتر از ۴ سال		زندگی مشترک بیش از ۴ سال	
	s	$\bar{x}$	s	$\bar{x}$
۰/۷۹	۷/۲	۴۵/۲۶	۱۷/۶	۴۱/۸۱

چنانکه از داده‌های جدول ۴ معلوم است، با وجود اینکه میانگین نمرات آنهایی که کمتر از ۴ سال از ازدواج آنها می‌گذشت، از میانگین زن و شوهرهایی که بیش از ۴ سال زندگی مشترک را پشت سر گذاشته بودند، بیشتر است و پراکندگی نمرات نیز در این گروه بسیار کمتر از گروه دیگر است که نشانه همگن بودن گروه در این نظرسنجی است، ولی مقدار  $t$  به دست آمده ( $t = ۰/۷۹$ ) ناچیز بوده و نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمرات در گروه، ناشی از خطاهای موجود است و از نظر آماری معنی دار نیست.

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به مسأله همسانی افرادی که با هم ازدواج می‌کنند و تأثیر این همسانی در رضایت از زناشویی پرداخته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که همبستگی بین نگرش زن و شوهر نسبت به رضایت از زندگی زناشویی بسیار بالاست ( $t = ۰/۸$ ). از طرفی ضریب همبستگی بین تفاوت در پرخاشگری و رضایت از زندگی برابر ( $r = -۰/۴۶$ ) است، یعنی همبستگی بالا، ولی معکوس وجود دارد، به عبارتی هرچه تفاوت در پرخاشگری کمتر باشد یا زوجها از این لحاظ به هم شباهت بیشتری داشته باشند، رضایت از زندگی زناشویی آنها نیز بالاتر است. نتیجه مشابهی برای همبستگی بین تفاوت در میزان هیجان‌پذیری و رضایت از زندگی زناشویی به دست آمد. یعنی ضریب همبستگی محاسبه شده ( $r = -۰/۵$ ) گویای این مطلب است که هرچه زوجها از نظر میزان هیجان‌خواهی به هم بیشتر شبیه باشند، میزان رضایت از زندگی زناشویی آنها

نیز بیشتر است. اگرچه بین شباهت در اضطراب زوجها و رضایت از زندگی زناشویی آنها همبستگی بالایی وجود نداشت ( $r = 0/06$ ).

این نتایج با نظرات قبلی در مورد همسانی بین زن و شوهرها و ارتباط آن در رضایت از زناشویی و تأثیر آن در تداوم و ثبات زندگی خانوادگی همخوانی دارد.

قلی‌زاده (۱۳۷۸) به نقش همسان همسری و تأثیر آن در ثبات زندگی زناشویی اشاره دارد. وی به بررسی اهمیت همسان‌گزینی که در اصل مترادف با مفهوم «کفو» در نگرش مکتب اسلام است، توجه دارد و قواعد همسان همسری را با توجه به عشق، مذهب، سن، تحصیل، موقعیت اجتماعی و شخصیت زن و شوهر به‌عنوان معیارهای لازم تکوین ازدواج مورد بحث قرار می‌دهد: «آرن بک» بر این باور است که تفاوت در نگرشها به اختلافها و پیامدهای ناشی از آن می‌انجامد (به نقل از ناظر، ۱۳۷۹).

عبدالله‌زاده (۱۳۸۱) گزارش می‌دهد که ویژگیهای شخصیتی زن و شوهر به‌عنوان عاملی با ثبات در رضایت آنها از زندگی زناشویی اثر دارد. با توجه به تأکید پژوهشهای پیشین به نقش همسانی عوامل شخصیتی در سازگاری زن و شوهرها در این پژوهش سه مورد بررسی گردید: نکته قابل توجه اینکه دو عامل اول که در ارتباطهای اجتماعی تأثیر بیشتری دارند، یعنی پرخاشگری و هیجان‌خواهی با خشنودی از زندگی زناشویی همبستگی بالایی داشتند. اما عامل سوم یعنی اضطراب که ویژگی فردی است و در بسیاری موارد از روابط اجتماعی مشهود نیست همبستگی کمی را با خشنودی زناشویی نشان می‌دهد. این موضوع راهنمایی برای پژوهشهای بعدی است که تفاوت عوامل اجتماعی شخصیتی و عوامل فردی شخصیتی مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

### پیشنهادها

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود در مشاوره‌های قبل از ازدواج ابتدا به هماهنگی زوجها در موارد اصلی که پایه‌ها را تشکیل می‌دهد توجه شود و پس از آن به هماهنگی‌ها در جنبه‌های شخصیتی که اهداف مشترک را به وجود می‌آورند و در ارتباطات افراد نقش مهمی را ایفا می‌کنند، توجه دقیق شود. (برای ساخت یک زندگی مناسب در ارتباط با جملات اخیر الگویی پیشنهاد شده که در پیوست ارائه خواهد شد).

برای این منظور می‌توان از آزمونهای روانی موجود در زمینه‌های مختلف استفاده کرد و جنبه‌های هماهنگی یا عدم هماهنگی نامزدهای ازدواج را برای آنها روشن ساخت تا با دید وسیع‌تری به این موارد نگاه کنند و آمادگی لازم را برای مقابله با خطرات احتمالی ناشی از عدم هماهنگی‌ها در خود به‌وجود آورند. همچنین لازم است آزمونهایی متناسب با فرهنگ منطقه ساخته و اعتباریابی شوند تا در مواقع لازم بتوان از آنها استفاده نمود به این امید که بتوان با پیش‌بینی‌های لازم به سلامت خانواده و در نهایت به سلامت جامعه کمک کرد.

در خاتمه ضمن پیشنهاد مجدد برای اجرای پژوهش در سایر عوامل شخصیتی زوجها و ارتباط آن با سازگاری در زندگی زناشویی به‌عنوان محدودیت پژوهش به این مطلب اشاره می‌شود که چنانچه این پژوهش در سطحی وسیع‌تر در کشور و با ابزارهای متفاوت انجام شود، بیشتر می‌توان به تعمیم‌پذیری نتایج آن اطمینان حاصل نمود.

#### پیوست

با توجه به تأکید بر نقش همسانی زن و شوهر در رضایت از زندگی زناشویی و دستیابی به زندگی توأم با سازگاری و تداوم، الگویی برای عوامل مهم و مؤثر در این مورد بیان می‌شود. در این الگو سه گروه از هماهنگی‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. گروه اول هماهنگی در اموری که به‌عنوان پایه‌های زندگی مطرح می‌شوند و توجه به هماهنگی آنها به‌عنوان مهمترین اصل در ثبات و پایداری زندگی زناشویی مورد توجه است. مهمترین این عوامل عبارت‌اند از: طبقه اجتماعی، پایگاه اقتصادی، عوامل فرهنگی از جمله دین، مذهب و در کنار همه این عوامل به‌عنوان یکی از پایه‌ها، نیاز به عشق، علاقه و دوست داشتن همدیگر قرار می‌گیرد.

اگر بتوان ساخت زندگی زناشویی را به یک ساختمان تشبیه نمود و عوامل بیان شده، پایه‌هایی محکم برای این ساخت به‌وجود آورد، باید نسبت به نقشه نیز توجه داشت.

نقشه مناسب ارتباط فضاها را به بهترین شکل ایجاد می‌کند. در

زندگی زناشویی نیز به ارتباطات مناسب احتیاج داریم. این‌گونه ارتباطات، اهداف مشترک در زندگی را ایجاد می‌کنند. مهمترین عواملی که هماهنگی در آنها به ایجاد ارتباط مناسب در زندگی زناشویی منجر می‌شود، عبارت‌اند از: سن، تحصیلات و عوامل شخصیتی مانند پرخاشگری، اضطراب، هیجان‌خواهی، خلاقیت، توکل، هوش، انگیزه، درونگرایی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، عزت نفس و... در پژوهش حاضر سه مورد اول رسیدگی شده و برای دیگر موارد ابعاد شخصیتی افراد نیاز به پژوهش‌های دیگر وجود دارد که به یاری خدا انجام خواهد شد.

باید توجه داشت که هر ساختی با داشتن پایه‌های مستحکم و نقشه مناسب، بدون رنگ و تزیینات از روح لازم و زیبایی کافی برخوردار نیست. بنابراین ساختمان زندگی نیز نیاز به زیباسازی دارد. برای زیباسازی روابط زندگی نیز هماهنگی زن و شوهر از اهمیت بسزایی برخوردار است. البته این هماهنگی در اموری است که نسبت به موارد مربوط به ارتباطات و پایه‌ها اهمیت کمتری دارد. مواردی همچون هماهنگی در سلیقه‌های مربوط به رنگ، غذا، موسیقی، ادبیات، مسافرت، ظروف غذاخوری، دکوراسیون، فیلم، تئاتر، میهمانی، گرمای مناسب محیط منزل و... .

## منابع

- امین‌جعفری، بتول. (۱۳۷۹)، سن طلاق، شغل، مدت ازدواج، در مقاله نخستین همایش سراسری طلاق و پیامدهای آن، اصفهان، نشر کنکاش.
- آقایی، اصغر و لیلیا کریمی. (۱۳۸۱)، بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به ازدواج دانشجویی در خلاصه مقالات همایش ازدواج دانشجویی راهکارها و چالش‌ها، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۷۸)، نقش عوامل شخصیتی در ازدواج، در خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری ازدواج، اصفهان دانشگاه آزاد خوراسگان.
- برنشتاین، فیلیپ و مارسلی برنشتاین. (۱۹۸۹)، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی، ترجمه سهرابی، (۱۳۷۷)، تهران، نشر رسا.
- بنی‌اسدی، حسن و مسعود باقری. (۱۳۷۹)، رابطه بین انگیزه‌های ازدواج با سازگاری زناشویی،



در مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق، اصفهان، نشر کنکاش.

پلاچیک، روبرت. (۱۳۷۱)، *هیجانها*، ترجمه محمد رمضانزاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

دورانت، ویل. *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب‌خویی، (۱۳۷۳)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ستیر، ویرجینا. *آدم‌سازی*، ترجمه بهروز بیرشک، (۱۳۶۱)، تهران، انتشارات اندیشمند.

شفتی، عباس. (۱۳۷۸)، *چه کسی می‌خواهد ازدواج کند؟ در خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری ازدواج*، اصفهان، دانشگاه آزاد خوراسگان.

شومستروم، اورت. *روان‌شناسی انسان سلطه‌جو*، ترجمه قاضی و سرمد، (۱۳۶۲)، تهران، نشر سپهر.

عبدالله‌زاده، حسن. (۱۳۸۱)، *کفویت و همسان‌همسری و رضایت زناشویی*، در خلاصه مقالات همایش ازدواج دانشجویی، راهکارها و چالش‌ها، اصفهان، دانشگاه صنعتی.

قلی‌زاده، آذر. (۱۳۷۸)، *نقش همسان‌همسری در موفقیت ازدواج*، در خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری ازدواج، اصفهان، دانشگاه آزاد خوراسگان.

گلاس، جین و جولین استانلی. (۱۹۷۰)، *روشهای آماری در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی*، ترجمه اسفندیاری و عابدی، (۱۳۶۸)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی (تاریخ اثر بر زبان اصلی ۱۹۷۰).

گنجی، حمزه. (۱۳۸۰)، *ارزشیابی شخصیت*، تهران، نشر ساوالان.

موسوی، سیدعلی. (۱۳۷۸)، *رابطه خشنودی شفلی و انگیزه پیشرفت با سلامت روانی و مسؤولیت‌پذیری مریبان تربیتی آموزشگاههای اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه چمران.

ناظر، محمد، مریم طباطبایی و جواد اسدالهی. (۱۳۷۹)، *مقایسه مشخصات فردی، روانی و اجتماعی خانواده‌های داوطلب طلاق و خانواده‌های موفق*، در مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق، اصفهان، نشر کنکاش.

والی‌پور، ایرج. (بدون تاریخ)، *روانشناسی سازگاری*، نشر وحید.

هریس، تامس. وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، (۱۳۶۴)، تهران، نشر نو.

هیلگارد، ارنست و ری‌تا ل. اتکینسون، و ریچارد س. اتکینسون. *زمینه روانشناسی*، جلد دوم،

ترجمه گروهی، (۱۳۷۰)، تهران، انتشارات رشد.

QUINN, Virginia, N. (1985). *Applying psychobgy*. U.S.A. Mc Graw - Hill.

RENNE. K.S. (1970). *Correlates lf dissatisfaction in marriage*. Journal of marriage and the family. No 32, pp 54-67.

RICE, B. (1980). *Dear Miss c-3po*. Psychology today. No 48.

SANTROCK, J. W. (1991). *Psychology*. U.S.A, Wm.c. Brown publishers.

SDOROW, L. M. (1993). *Psychology*. England. Benchmarf & Brown.

